

# شریعتی از نگاهها

## شهید مظلوم دکتر بهشتی:

مرحوم دکتر شریعتی از استعدادها و قریحه های برجسته زمان ما بود. دکتر از دیدن یک انسان خوش قریحه، باهوش، تیزبین، نازا، و جستجوگر است که از نخستین سالهای زندگی جستجوگری را آغاز کرده و خواسته است که هر چیزی را بفهمد و بداند و در این تلاشی که خیلی زود در زندگی آغاز شده و تا آخرین روزهای عمرش ادامه داشته پوش پر نشیب و فرازی انجام داده و نتایج این پوش با استفاده از آن استعداد و قریحه سرشار کتابها، سخنرانیها و آثار بسیار پرنیسی است و

خوانند، بعد او می گوید امسال که رفتم متوجه شدم که این مراسم پرشکوه عرفات بدون امامت و بدون یاد امام و بدون روح امامت و بدون روح انقلاب که در یاد حسین (ع) نهفته است جسم بیرومی است، بنابراین همین جا باید به یاد حسین (ع) بود و همین جا باید زیارت وارث یا زیارت عاشورا را خواند. این مطلب نشاندهنده اینست که دکتر بطور اندیشه و برداشتی بویا از اسلام داشته است دکتر شریعتی در کل این حرکت همواره بسوی اندیشه اصیل تر اسلامی رو به پیشرفت بود و همه مردم ما بخصوص تحصیلکرده های ما توجه دارند به موج عظیمی که گفته ها و نوشته های خوش طنین مرحوم

## \* دکتر بهشتی: «دکتر شریعتی در کل این حرکت همواره بسوی اندیشه اصیل تر اسلامی رو به پیشرفت بود»

همان روحیه پویایی و تحرک اندیشه دکتر و جستجوگری صمیمانه ای که در این حرکتش بوده به کارش و آثارش جلایه خاصی می داد. من معتقدم کسانی که دکتر را به خاطر یک مطلب یاد مطلبی که در خور انتقاد است مورد نقد خودشان قرار می دهند باید توجه داشته باشند که یک انسان پویا مثل دکتر نمی شود گفت که در باره فلان مطلب چه نظری داشته بلکه باید گفت دکتر در سال ۴۰ پیرامون فلان مطلب چه نظری داشته و در سال ۴۲ یا ۴۵ و در سال ۵۰ چه نظری داشته است.....

وضع دکتر این طور بود و اینرا ما مکرر در مواردی آزمایش کرده بودیم. من یک نمونه زنده اش را که در کتاب «یاد یادآور» است برایتان می گویم: «دکتر در آن کتاب می گوید نسبت به خواندن زیارت وارث یا زیارت عاشورا در صحرائ عرفات در دو سال متوالی که به حج رفته دو برداشت و دو اندیشه کاملا متفاوت دارد، دکتر می گوید: سال پیش با خود می اندیشیدم که اینجا عرفات است و موج عظیم مسلمین در همه جا به چشم می خورد اینها (شیعیان) چرا مثلا زیارت وارث و زیارت عاشورا را می خوانند اینها چرا همان دعای همگانی را نمی

جهت بدهد و عنوان بکند، زبان رسا و گویا، انگیزه های اسلامی که در خودش وجود داشته، اطلاعات وسیع خودش از فرهنگ روز و اعتقاد عمیقش، از همه اینها یک مجموعه ای بوجود آمده بود که این مجموعه در آن دوران و محیط بسیار جالب و جذاب بود، لذا جوانها سریع جذب دکتر شریعتی می شوند و حقیقت هم اینست که شریعتی خیلی چیزهای تازه را از اسلام می فهمید، نه به این معنی که هیچکس قبل از او نفهمیده بود، بلکه به این معنی که هیچکس پیش از او به آن خوبی و آمیخته با فرهنگ روز آنرا بیان نکرده بود، لذا وقتی شریعتی مطرح شد در جامعه همه جانفوذ کرد، او یک انسان تلاشگر و در راه عقیده و فکر اسلامی خستگی ناپذیر و ارعاب ناپذیر بود، وجودی بود که در یک مقطع زمان واقعا به وجودش نیاز بود و او خلایق را پرکرد البته این به آن معنی نیست که کار شریعتی بی عیب و نقص بود، یقینا کار او اگر فارغ از بقیه تلاشهایی که در جامعه انجام میداد مورد ملاحظه قرار بگیرد یک کار کاملی نخواهد بود، اما در کنار تلاشهایی که آن روز انجام میگرفت حقیقتا یک جریان بزرگ برای گسترش فکر اسلامی بود.

از خصوصیات دیگر دکتر شریعتی این بود که کار فکریش مطلقا یک کار ذهنی، مجرد از تحقن اسلام در صحنه واقعیت نبود، من همیشه شریعتی را در کارهایش دنباله کار فکری متفکرینی می دیدم که آن روز کتابهایشان در دست همه افرادی که در این خط کار میکردند، بود از قبیل سید قطب می دانید که سید قطب و محمد قطب رهبران اخوان المسلمین کسانی بودند که اسلام را به عنوان یک اعتقاد و باور ذهنی بررسی نمی کردند بلکه کار آنها تلاشی

دکتر شریعتی در نسل تحصیلکرده و در بسیاری از افراد گریز یا نسبت به اسلام در سالهای اوج انقلاب در جامعه ما ایجاد کرد و در رشد و حرکت ما عامل مؤثری بود و امیدوارم خداوند او را به این خدمت پاداش خیر عنایت فرماید.



## حجت الاسلام خامنه ای:

فکری که مرحوم شریعتی در ترقی دادن نسل جوان، اول به انگیزه های مذهبی و اسلامی و بعد از آن به تفکرات اسلام راستین داشته، بسیار نقش اصیل و عمیق و همه جانبه بوده است.

مرحوم شریعتی مهمترین کارش این بود که تفکر و اندیشه اسلامی را در سطح جوانها به صورت بسیار وسیعی مطرح کرد. خصوصیات در دکتر شریعتی بود که برای جوانها جالب بود و حقیقتا آنها هم یک ارزشی هائی بود برای دکتر: «آشنایی با فرهنگ جدید، تیزتر گزینی های بسیار جالب که می توانست آن مجموعه تفکرات اسلامی که در ذهنش است اینها را با یک تیرهای کاملاً روشن مشخص

## حجت الاسلام خامنه ای:

### مهمترین کار دکتر شریعتی این بود که تفکر و اندیشه اسلامی را در سطح جوانها به صورت بسیار وسیعی مطرح کرد

برای تحقن اسلام بود و پیاده شدن و واقعیت یافتن اسلام. کار شریعتی هم دقیقاً چنین کاری بود در جامعه و همچنین شریعتی جزو کسانی است که شدیداً در مقابل غرب موضعگیری داشت و از کسانی است که در غرب تحصیل کرده ولی فرهنگ غرب اگر در او وجود داشت در تفکرات او خیلی

## نامه شهید مطهری به دکتر شریعتی

برادر عزیز داشتند جناب آقای دکتر علی شریعتی قلب خود شما گواه است که تا چه اندازه به شما ارادت می‌ورزم و به آینده شما از نظر روشن کردن نسل جوان به حقایق اسلامی امیدوارم. خداوند مثل شما را فراوان فرماید. انتظار میرفت قبل از مهر سفری به تهران فرمایید و دوستان و ارادتمندان را دلشاد نمائید. متأسفانه این توفیق برای دوستان حاصل شد به هر حال ما سلامت و سعادت و موفقیت بیشتر شما را از خداوند متمال مسئلت داریم. جنسی پیش ابوی مکرم حضرت عالی و سرور عزیز ما جناب آقای شریعتی بر حسب تقاضای این جانب نامه‌ای به حضرت عالی مرقوم داشتند که قرار است به مناسبت پایان چهاردهمین قرن بعثت رسول اکرم (ص) کتابی تالیف شود که از نظر معرفی شخصیت رسول اکرم مفید باشد و تا حد امکان روی آن کار شود. رفقا مجموعاً ۲۰ موضوع برای آن در نظر گرفتند که لیست آن خدمتتان فرستاده خواهد شد. سه موضوع از ۲۰ موضوع مربوط است به تاریخ زندگی آن حضرت از ولادت تا بعثت و از بعثت تا هجرت و از هجرت تا وفات یعنی در سه بخش: بخش اول و دوم را آقای دکتر سید جعفر شهیدی بعهد گرفتند که البته لیاقت این کار دارند و بخش سوم آن را که از دو بخش اول مهمتر است برای حضرت عالی در نظر گرفتیم و شاید قسمت اصلی و اساسی کتاب با توجه به نویسندگان مرز ولایتش همین سه بخش باشد. قهراً بخش سوم مختصر خواهد بود و هر چند بنا هست که مجموعاً هر بخشی از سی-چهل صفحه تجاوز نکند اما به عقیده من بخش مربوط به حضرت عالی اگر پنجاه صفحه هم شد مانعی ندارد. مسلماً جزئیات را ننویسید در ۵۰ صفحه گنجایید ولی از حقوق و ابتکار و حسن انتخاب حضرت عالی انتظار داریم که بطور فشرده و در عین حال روشن، همه نکات روشن آن قسمت از زندگی حضرت را مرقوم فرمائید و مخصوصاً قسمتهایی که کمتر مورد توجه دیگران است با نظر روشن بین خود آنها را شکافید. از قبیل: علل که منتهی به هجرت شد و فایده‌ای که رسول اکرم از ایجاد مرکزی در خارج مکه برداشت. در این زمینه چنین طرز رفتار اسلام و رسول اکرم را با مذاهب طریقه‌های دیگر و روش‌های آنها مقایسه کنید. جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فلسفی و تعلیمی که در این راه پدید آمد. سرانجام آن حضرت و سرانجام این راه. بیشتر مطالبی که در این زمینه نوشته شده است، خواننده را سردرگم می‌کند. در این زمینه

بنابراین ایشان افراد مترقی و متعهد از روحانیت را نمی‌شناخت و یاد او ایل خیلی کم می‌شناخت. اما در اواخر یک جریان بسیار عظیمی را در روحانیت کشف کرد که سبب شد به شدت با مواضع قبلیش موضعگیری متفاوتی پیدا کند.

بنابراین آنچه که از بیانات دکتر شریعتی در زمینه مقابله با روحانیت به چشم می‌خورد اولاً مربوط می‌شود به یک بخشی از روحانیون و آن کسانی که مطلقاً در خط مسائل مبارزه و احیاء میراث فکری اسلامی وزنده کردن ارزشهای اسلامی نبودند، ثانیاً مربوط می‌شود به آن زمانیکه مرحوم دکتر شریعتی با جریان قوی روحانیت متعهد و مبارز آشنا نبود ولی بعد از آنکه آشنا شد آن حالت سرمنی و یا اصطکاک بکلی از بین رفت و بسیار ضعیف شد. البته ایشان نسبت به بعضی از شخصیت‌های روحانی خیلی علاقه داشتند و نسبت به امام بصورت عاشقانه‌ای اظهار علاقه می‌کردند.

### حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

دکتر شریعتی از افرادیست که واقعا به این نهضت خدمت کرده و فعالیت‌های ایشان در چندین ساله اخیر به قشورسیمی از کسانی که مابه آنها دسترسی نداشتیم، اثر داشته و آنها را به میدان کشانید، او

### هاشمی رفسنجانی: دکتر شریعتی از افرادیست که واقعا به این نهضت خدمت کرده است

خصوصاً با تجربه‌ای که داشته، بدین معنا که اولاً معلم بوده و ثانیاً خارج رفته بود ثالثاً در جامعه شناسی وارد بود و همچنین باوضع روحی و شرایط نسل نو آشنایی داشت، توانست در جامعه مؤثر باشد و موجی نسبتاً قوی ایجاد کند.

### سیدحسین موسوی نخست وزیر:

معلم شهید شریعتی منادی برگشت به قرآن و سنت و عزت در میان جوانان و روشنفکران بود و هرکس که تاثیر شریعتی را بر نسل جوان امروز ندیده بگیرد و بخواهد تأثیری که او در برگشت این نسل به سنت اسلام نهاده است انکار کند یک فرد متعصب و غیر منصف است. با آثار شریعتی باید

بقیه در صفحه ۷۰



خیلی نامحسوس بود. و یکی از کارهای اساسی که دکتر در نسل میانه، نه نسل جوان داشته همین بوده که بی‌اعتباری آن فرهنگ را نشان بدهد، و یا لااقل آن عظمت فرهنگ غرب را در میان آنها فرو بریزد. بنابراین من معتقدم به اینکه یکی از انگیزه‌های قابل توجه سرخوردگی ملت ما از فرهنگ غرب و از سلطه غرب مرحوم دکتر شریعتی است و موضعگیری‌های تندیشان در مقابل فرهنگ غرب

### دکتر شریعتی و روحانیت:

بیشترین حد و شاید تندترین تعبیر را در مقابل روحانیت را دکتر شریعتی بکار برده است. شاید کمتر کسی در این سالهای اخیر در مقابله با روحانیت، با آن تعبیر عام حرف زده باشد ولی با اینحال شریعتی در مقابل روحانیت، با روحانیت به آن معنایی که من و شما می‌فهمیم مطلقاً روبرو نبوده، بلکه با یک جریان روبرو بود.

شریعتی نسبت به روحانیت مبارز و ترقی شیدا ارادت می‌ورزید و این را بارها و بارها چه در سخنرانی‌هایش و چه در بخش‌های خصوصی گفته بود. و از کسانی که آنها را به این سنت و صفت می‌شناخت تجلیل می‌کرد، تنها وضع زندگی شریعتی طوری بود که با روحانیت ارتباطی نداشت.

کشور و جبهه های جنگ که این برادران بسیار فعالیت داشته اند، گسترش دهیم. در خصوص سیستان و بلوچستان نیز بهتر است نمونه ای را عرض کنم: قبل از اینکه من افتخار نمایندگی مردم زاهدان را داشته باشم، مدتی مأموریت پیدا کرده که در جبهه بهار باشم. در آنجا ملاحظه کردم که یکی از بفرنج ترین مسائل جبهه بهار را برادران جهادسازندگی حل کرده اند، که رژیم طاغوت با سالها فعالیت نمی توانست حل کند و آن آبرسانی آب شیرین در سطح جبهه بهار بود. این مساله از کارهای بسیار مؤثر و چشمگیر خصوصاً در نیک شهر بوده است که قابل تقدیر و مورد تأیید می باشد. در عین حال من در نطق های قبل از دستور به کرات این مساله را یادآوری کرده ام که توجه بیشتری به اعزام نیرو در آن استان بکنند و آن استان نیاز بیشتری به فعالیت جهادسازندگی و جهادگران دارد. بخصوص که در دستگاههای سنتی ما به لحاظ شرایط خاص آن استان که نیروها بیشتر تعیندی هستند و یا خیلی از افراد اعزامی به آنجا تجارسی ندارند و به همین نسبت راندمان دستگاههای دولتی بجز چندتایی از جمله

بهرداری بقیه چندان رضایتبخش نیست و تنها سازمان و ارگانی که توانسته برنامه ای را در سطح آن استان بجا آورد جهاد بوده است. خصوصاً اینکه جهادسازندگی می تواند حامل پیام انقلاب باشد و هنگامیکه مستضعفین ببینند که در آنجا کار انجام شده و مهم از طریق جهاد است بالطبع گرایش بیشتری به انقلاب خواهند داشت. و اگر می بینیم برادران اهل سنت نیز در جبهه های جنگ هستند یکی از علتهاش این است که تشخیص داده اند، نظام جمهوری اسلامی فکر مستضعفین است.

جهادسازندگی بهترین رسانه، برای رساندن نظریات مسئولین جمهوری اسلامی به دورافتاده ترین دهات میباشد. من به مسئولین جهاد یادآوری میکنم که هر اندازه نیرو به این مناطق بفرستید باز کم است. اگر چه در فاصله دو سه ماه اخیر چند گروه به این منطقه اعزام شده اند، اما باز هم کم است و من آن فونی را که جناب آقای ناطق نوری در مورد اعزام نیرو به استان دادند به برادر حجت الاسلام نوری نماینده امام و سرپرست فعلی جهادسازندگی

القا میکنم. در مورد همکاری با برادران جهاد به علت قانون تفکیک قوا، همیاری اجرایی ندارم، اما وظیفه یک نماینده نظارت در جریان کارهاست و من با سفر به این استان در دفعات مختلفی که با برادران جهاد سازندگی تماس داشته ام، از فعالیتهای آنان بازدید کرده ام و سعی کرده ام اگر کمکی از دستم برآید به آنها کمک کنم. در آخر پیام من به مستضعفین منطقه این است که با توجه به تفرقه اندازی امپریالیسم و ایادی آنها در منطقه، با نیرنگ های امپریالیسم آشنا باشند و هیچ مساله ای وحدت آنها را بر هم نزند و در وحدت ایدئولوژیک و سیاسی و اقتصادی آنها خللی بوجود نیاید و به توطئه گران اجازه فعالیت ندهند و بدانند که اگر مشکلاتی هست برطرف شود و سعی بر این باشد که در کمند پرییچ و خم خان ها گرفتار نشوند و توجه داشته باشند که دولت جمهوری اسلامی بفرمانهاست و نظر امام - خمینی و ایت الله منتظری به محرومین است. من این اطمینان را به آنها میدهم که هیچکدام از پیروان امام در جهت رفع محرومیت آنها غفلت نخواهند کرد.

## شریعتی از...

بصورت زنده و نقاد رو برو شد. همان چیز که خود او میخواست. تلاشی برای اینکه آثار او از دسترس مردم (خدای نکرده) خارج شود یک جنایت و بیاناشی از تعصب های کور و بی سرانجام است. و نکته دیگر در مورد دکتر روحیه عرفانی عمیق ایشان است که در آثار آخری او به اوج خودش می رسد عرفان جوهره مذهب است این ویژگی را در نوشته های گروههایی که خود را به اصطلاح سمت مدافع شریعتی جا می زنند به هیچ وجه نمی بینیم.

\*\*\*

## حجت الاسلام دعائی:

چیزی که خود مرحوم دکتر شریعتی هم اذعان داشته و نمی خواسته است بگوید که من یک فقیه اسلامی هستم. فقیه جامع الشرایط هستم. حتی در برداشتهای فلسفی نمی خواهد بگوید که من فیلسوفی هستم که نظرم حدیثه پذیر نیست بلکه همیشه معتقد بوده از آن دیدگاهی که تخصص داشته مسائل را بررسی می کرده است. آن دیدگاه جامعه شناسی بود.

دکتر همیشه تأسف می خورد که این فراغت و فرصت رانداشته که با دیگر انارنی را بازنگری کند و اثر بیشتر از این مکتب و موازین اسلامی منطبق کند و اواخر عمر چنین تصمیمی را گرفته بود

و کفر آنها و نوشته هایش را در مورد اقبال بازنگری کرد و چیزهایی را اضافه و یا حذف کرده بود.

من از برخورد امام با دکتر چند خاطره دارم: یک روز محضر امام در نجف بودم ایشان فرمودند: یک نفر از تهران به نجف آمده و بلیط هواپیمای دوسره برایش گرفتند و اینهمه خرج کرده اند، بیش من آمده که دو چیز را ثابت کند یکی اینکه آقای مطهری با نوشتن کتاب حجابش زنان تهران را بی حجاب کرده است و امام با تسمی فرمودند که من آقای مطهری را می شناسم و اینها دروغ می گویند و دوم اینکه راجع به اسلام شناسی چاپ شهید دکتر گفتند که اعتقاد انحرافی دارد، امام فرمودند که من وقت خوانش را ندارم شما بفرمایید کدام قسمت است، بعد از اینکه نشان دادند انتقاد چشمگیر و اساسی نبود. و یکبار دیگر امام درباره دکتر فرمودند: من از سه جهت متأسف هستم، یکی عدم توفیقی که این مرد در جمع بین قشر جوان و قشر مذهبی سنتی داشت، ای کاش تمام نیروی خودش را مصرف قشر جوان و تحصیل کرده نمی کرد و بایک درک واقع بینانه تری از مسائل مذهبی و اجتماعی، تبلیغاتش را برای جمع این دو قشر جوان و سنتی دنبال میکرد.

دوم تأسف می خوردند از برخوردها و درگیریهای تعصب آمیز که باعث شد خدمتش به سبب دانشگاهی توفیق کمتری داشته باشد. سوم تأسف می خوردند از کوتاه بودن عمر این مدد که اگر حیاتش طولانی می بود با تجربه

گذشته اش می توانست راهش را بهتر ادامه دهد. و این روشن است که دکتر شریعتی از شیفتگان و مخلصین امام بود و با شناختی که ما از مخالفین دکتر داشتیم، می دانیم که مخالفین دکتر عمدتاً مخالفین خود امام بودند، البته نمی خواهم کسانی را که اختلاف آکادمیک با دکتر داشتند بگویم بلکه کسانی را می گویم که بلوا پیا پی می کردند، کسانی که ماجراجو بودند و آنها عمدتاً کسانی بودند که با مرحوم دکتر طوری برخورد می کردند که با خود امام هم همان برخورد را داشتند. و باید گفت دکتر در نرج کشیدن از دشمنانش با امام در یک موضع بود و مخالفین مشترکی داشتند و طبیعتاً دوستان مشترکی هم داشتند.

مرحوم دکتر در حدیث بود که در شستی با امام دقیقاً خط فکری آینده خودش را و خط تبلیغی آینده خودش را بعنوان یک سرباز اسلام مشخص کند و این تعبیر خود دکتر است که در هر جبهه ای که امام بگویند می ایستد و انجام وظیفه می کند.

یقیناً اگر دکتر حیات می داشت با آن درک و بینشی که او از اسلام داشت می توانست بهترین یاور و بهترین بازوی امام باشد و بهترین افشاگر مخالفین و دشمنان امام باشد و به عقیده من بهترین پیروان و معتقدان به دکتر کسانی هستند که الان همین نقش را داشته باشند و در همین موضعی باشند که اگر دکتر هم بود در آن موضع بود.....